

فصلنامه علمی - فرهنگی اسلام



شناسی

در این شماره می خوانید:

- جرعه ای از شراب طهور / زهرا علوی ۳
- نقش طلبه در تبلیغ معاد باوری / اعظم شفیعی ۴
- نماز شب آغاز مسیر دلدادگی / وجیهه کلیدری ۷
- زیارت تجلی توحید / رقیه اخلاقی امیری ۸
- باید کسی روی سرم قرآن بگیرد / شعر ۱۱
- باور معاد و نقش آن در زندگی / اسمانه جعفر زاده یزدی ۱۲
- تربیت توحیدی کودک / اسمانه اکبری ۱۶
- معاد جسمانی از دیدگاه ادیان / تکتیم اشتری ۲۰
- خبر ۲۶
- جامعه آرمانی عصر ظهور / ۲ / فهیمه رئوف ۲۸
- تشریف به محضر نور / زهرا بتول علوی ۳۲



صاحب امتیاز:

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا

(سلام الله علیها)

* مطالب نشریه صرفیائنگر دیدگاه

نویسندگان مقالات می باشد

* فصلنامه اسلام شناسی از مقالات و

آثار شایسته درج در فصلنامه استقبال

آدرس: مشهد خیابان چهارراه لشکر - امام خمینی ۴۸ - مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

تلفن: ۰۵۱۱۸۵۴۸۷۲۸۹ - نمابر: ۸۵۱۵۱۵۴



سوم مقاله

انسان باورمند به معاد، در حقیقت، به وجود دنیایی گسترده‌تر از عالم ماده معتقد است که در آن، نعمت‌ها و عذاب‌هایی به مراتب بزرگ‌تر وجود دارد که زمان و مکانی برای آن متصور نیست. در اندیشه انسان باورمند به معاد، سرایی بالاتر و بزرگ‌تر از این سرای مادی وجود دارد. بنابراین، در دیدگاه او این دنیا سرای فانی، محدود و گذرا و آخرت، سرای باقی و نامحدود است که انسان در آن برای همیشه جاویدان است.

اعتقاد به معاد، نه تنها مشکلات روحی و روانی انسانها را حل می‌کند، بلکه این عقیده در تعدیل و رهبری غرائز انسانی، فضائل اخلاقی و تامین عدالت اجتماعی نقش موثری ایفا می‌کند.

فاطمه علیها السلام در ادعیه و نیایش‌های خود بعد از «نماز ظهر» می‌فرماید:

اللَّهُمَّ آتِي أَسْأَلُكَ ... وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ...

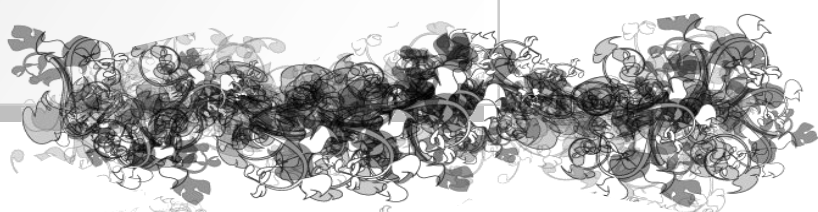
خداوندا! آسودگی به هنگام مرگ، و در امان بودن به گاه حسابرسی در روز رستاخیز را از تو می‌خواهم. و نیز از تو در خواست می‌کنم که «مرگ» را بهترین ناشناخته‌ای که در انتظار او هستم و بهترین چیزی که با او برخورد می‌کنم، قرار دهی.

خدایا! هنگام فرا رسیدن مرگ، و آنگاه که مرا در خود فرو برد، و زمانی که جانم در میان استخوان‌های سینه‌ام قرار دارد، و آن هنگام که به زیر گلویم می‌رسد، و در آن حال که از دنیا رخت بر می‌بندم، و در ساعتی که هیچ اختیاری از خود نداشته، و هیچ سود و زیان و سختی و آسایشی را نمی‌توانم برای خود فراهم سازم، «نسیمی از رحمت» خود و «بهره‌ای از خشنودی» خود را، به من عطا فرما. و پیش از آنکه جانم را بستانی، و روحم را قبض نمایی، و فرشته مرگ را بر خارج ساختن جانم چیره نمایی، «بشارتی از کرامت» خود را، به من ارزانی دار.

سزاوار است ما نیز به درگاه الهی دست نیاز بلند کرده و بعد از سپاس و صلوات، چنین درخواست کنیم:

خدایا! به حق دعاهای عارفانه حضرت فاطمه علیها السلام مرگمان را، آغاز آرامش و آسایش ما قرار ده، و در پرتو رحمت و شفاعت معصومان علیهم السلام هنگامه «رستاخیز» را، بر ما آسان و نیکو گردان.

آمین، یا رب العالمین.



جرعه ای از شراب طهور!

زهرا علوی

و اذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعو الداع اذا دعان فلیستجیبوا ألی
والیومنوابی لعلم یرشدون. سوره مبارکه بقره. آیه ۱۸۶

صدایم کن...

دستانت را به من بده، نگاهت را نیز
آرام و امیدوار باش که آرامش سهم توست. تمام لفظات زندگی ات، هدیه ای از من
است به تو ولی انگار تجربه عشق های رنگین مرا از تو گرفته اند.
فراموش کرده ای به من تکیه کنی . من فالق عشق و محبتم.
مامی عشق، اول و آخر و تمام عشق ، راهبر و مسیر عشق!
فانه ات را گم کرده ای؟ منم نشانی عشق، محبت و صفای درون.
طاعت کن مرا تا ازباده ی معرفت، جرعه نوشنت کنم
شکر کن و سپاس گوتا نعمات بیکران نصیبت کنم
به سوی من بازگرد که به تو نزدیکم و فرصت دهنده ام به تو، پس در هر طلوع و
غروب فورشید

صدایم کن تا رهایت کنم....



نقش طلبه در تبلیغ

معاد باوری

اعظم شفیعی

مشیت خداوند متعال بر این تعلق گرفته که رزق طلبه‌ها را ”مَنْ لَا يَحْتَسِبُ“ برساند. مبدا به گونه‌ای رفتار کنیم که مردم فکر کنند ما دنیا طلب هستیم. در این صورت مردم از دین برمی‌گردند.



درجه‌ی نخست بایستی تبلیغ را از خود شروع کنیم و سپس آن را نسبت به دیگران گسترش دهیم.... [که در ابتدا] باید کاملاً مواظب باشیم که از دهان ما غذای حرام و شبهه‌ناک وارد شکم ما نشود... باید در هنگام شاد و غم و گرسنگی و سیری با مردم باشیم. امروزه مردم توقع ندارند ما به مجالسی برویم که رضای خدا در آن نیست.... سمع و بصر هر انسانی مخصوصاً ما طلبه‌ها بایستی به طور کامل کنترل شود. مردم هر کلمه و حرفی که از ما بشنوند روی آن حساب باز می‌کنند. خداوند می‌فرماید:

”وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ!“

معاد باوری در گفتار و رفتار طلبه

معاد، کلمه‌ای که در اصول دین، بعد از توحید بیشتر خودنمایی می‌کند و فرد را به تعقل و امیدوار دارد. چرا که بعد از آنکه توحید را با برهان عقلی پذیرفت، معاد نامحسوس را باید کشف کند. ما [طلبه‌ها] در



خود، با سوادتر باشد ما باید از مخاطب خود بیشتر بدانیم، متعاقب آن باید یک سیر مطالعاتی قوی داشته باشیم مبلغ عین مدرس است، باید مدام برنامه کتاب خوانی داشته باشد^۱ بنا بر این در این صورت است که می تواند جواب منکران معاد و شبهات جوانان را بدهد.

۲- داشتن تعریف ملموس از حیاط پس از مرگ: [طلبه باید سعی کند به مردم بباوراند] مقتضای حکمت الهی آن است که مردم، زمان و مکان مرگ خود را ندانند و این دو دلیل دارد: الف - اگر آدمی زمان مرگ خود را بداند چه بسا در فعالیت‌های سستی بوجد آید چرا که امید و آرزو، یک عامل بر انگیزنده به سوی فعالیت و تلاش در زندگی می باشد

۳ - بیان روایات و داستانهای تکان دهنده جهت تأثیر معاد باوری

۴- بشارت و انذار، با هم: تبشیر و انذار هیچ کدام به تنهایی کافی نیست. تبشیر شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست. انذار هم شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست در دعوت، این هر دو، رکن، باید توأم باشد. اشتباه است اگر داعی و مبلغ تکیه اش تنها روی تبشیر ها و یا انذارها باشد، و بلکه جانب تبشیر باید بچربد^۲.

همه انبیاست، این کار را می کنند و تاثیر هم می گذارد. کشیش مسیحی می رود آنجا می نشیند، یک کلمه هم موعظه نمی کند. بعد از چهار بار که به سراغش می رود، می گوید: به کجا می روید می گوید: به کلیسا. می پرسد: می شود من هم همراهتان بیایم؟!^۳

مقام معظم رهبری درباره ی امام خمینی-علیه الرحمه- چنین فرمودند: "او به نظر و به رأی مردماعتقاد داشت ... به مردم از صمیم قلب علاقه داشت"^۴

وظایف یک طلبه نسبت به معاد باوری در جامعه

یک طلبه باید بداند که: انسانها غالباً می خواهند در این دنیا بی هیچ قید و بندی، آزاد و رها باشند تا هر چه می خواهند بشنوند، بگویند، ببینند و انجام دهند. از طرفی، اعتقاد به معاد و حضور در محکمه ی عدل الهی و رسیدگی به اعمال راه انسان را سد کرده، ضوابطی را بر اعمال او تحمیل می کند. از این روست که مردم در برابر اخبار پیامبران به وجود معاد، مقاومت و انکار می کردند.

در این جا به وظایف طلبه اشاره می کنیم:

۱- بالا بردن سطح آگاهی مردم: در هر زمینه ای که کسی می خواهد حرف بزند، باید از مخاطب

جدایی طلبه از جامعه، آفت معاد باوری

طلبه هر کجاست، باید در کنار مردم، جلودار امر به معروف و نهی از منکر باشد.^۵

بعضی به خیال خود سازی به خیر و شر جامعه و مسائلی که در آن می گذرد، کاری ندارند؛ این گونه افراد نظیر همان فراریان از جنگ تبوک هستند که به پیامبر اکرم- صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ- می گفتند: "ما برای حفظ تقوی در جبهه به کمک تو نمی آییم؛ زیرا در سفر تبوک و جنگ با روم، نگرانیم که چشممان به دختران آنان بیفتد و گناه کنیم"^۶ "بلی، حتی برای خود سازی نباید از جامعه جدا شد. سر نوشت سعادت فرد از سعادت جامعه جدا نیست. انسان از آن جهت که انسان است، یک سلسله وابستگی های عاطفی و احساس مسئولیت های انسانی درباره جامعه دارد که نمی تواند فارغ از آسایش دیگران، آسایش و آرامش داشته باشد^۷.

طلبه، خواه ناخواه الگوست و خوبی و بدیش در جامعه بسیار اثر گذار است. مبشر مسیحی هر یک شنبه، به بیمارستان می رود و به مریض های مردم سر می زند، این سنت





خداوند در قرآن دربارهٔ انذار از معاد می‌فرماید:

”وَ أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ“^{۱۰} و امت را از روز غم و حسرت بترسان که آنروز دیگر کارشان گذشته است و مردم سخت از آنروز غافلند و به آن ایمان نمی‌آورند. امام علی علیه السلام نیز من باب شناخت عالم آگاه می‌فرماید:

”الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ يُقْنِطُ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ“^{۱۱}

پی‌نوشت:

- ۱- سوره طلاق/۳-۲
- ۲- معاونت امور فرهنگی و تبلیغ، بایسته‌های تبلیغ، بی‌جا، پرهیب، ۱۳۸۴، صص ۱۱-۹.۳- همان، ص ۳۴.
- ۳- معاونت امور فرهنگی و تبلیغ، ص ۸۷
- ۴- محسن، قرائتی، امر به معروف و نهی از منکر، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۹، ص ۸۱
- ۵- مرتضی، مطهری، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا، ۱۳۷۸، ص ۲۳۲.
- ۶- معاونت امور فرهنگی و تبلیغ، ص ۷۶.
- ۷- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، او که بود، بی‌جا، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲، ص ۶۰.
- ۸- معاونت امور فرهنگی و تبلیغ، ص ۸۰.
- ۹- مرتضی، مطهری، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، چ ۱۳۸۷، ۴۷، ص ۱۸۱.
- ۱۰- قرآن کریم، سوره مریم/ ۳۹.
- ۱۱- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مشهد، آستان قدس رضوی، ص ۶۴۲.



وجیهه کلیدری

رسیدن به اهداف خود همیشه سختی ها ورنج ها را به جان خریدند واز سستی و تنبلی پرهیز نمودند .
لذا باید با کسب اعتماد بنفس و با برنامه ریزی به مرور از تنبلی وسستی به سوی تلاش وجدیت و کار و عبادت حرکت نمود وآن گاه لذت وشیرینی موفقیت را چشید .

۴- مشکلات مادی ودنیوی فراوان : در دنیای پر شتاب وپیر زرق وبرق امروز وسرعت وسبقت برای کسب هرچه بیشتر امکانات دنیوی باعث گردیده اکثر مردم تا دیر باز به کار وکوشش تلاش می پردازند و شب هنگام خسته وکوفته به خانه باز می گردند واین وضعیت امکان بیداری در دل شب را سلب می کند .

۵- خوردن غذاهای نامناسب در شب : برخی از مواد غذایی دارای خواصی است که منجر به سستی ورخوت در بدن می گردد مانند ماست ،دوغ و.. که

مصرف آنها درشب باعث می گردد که فرد به خواب عمیقی فرو برود و برای بیدار شدن در دل شب ناتوان گردد .
همچنین غذاهای پر چرب وسنگین که نظم خواب را ممکن بر هم بزند و بیدار شدن در نیمه شب را مشکل گرداند .

۶- برخی از بیماریها : برخی افرادی که از بیماری های روحی وروانی رنج می برند ویا به نوعی مجبور به مصرف داروهای آرام بخش هستند این

مشکل ممکن است برای آنها پیش بیاید که به لحاظ مصرف این داروها امکان بیداری و شب زنده داری در دل شب ممکن نگردد .

بدون شک یکی از عالی ترین ولذت بخش ترین عبادات ، شب زنده داری وخواندن نماز شب می باشد . آنها که توفیق بیداری در دل شب را بدست می آورند واز خواب شیرین خود می گذرند وبه شوق کسب رضایت حضرت حق به مناجات وراز ونیاز می پردازند ،در حقیقتبه میهمانی ویژه وخصوصی خداوند دعوت شده اند وبدون شک مورد عنایت حضرت حق نیز انشاءالله قرار خواهند گرفت .

اما چگونه می شود برخی از ما با اینکه علاقمند به احیا شب زنده داری وخواندن نماز شب هستیم اما این توفیق نصیب مان نمی گردد ویا بندرت به این فیض بزرگ نائل می آئیم .

سلب توفیق در خواندن نماز شب از دو بعد مادی ومعنوی قابل طرح وبررسی می باشد که در این بخش به بیان برخی از عوامل دنیوی ومادی می پردازیم:

۱- ضعف برنامه ریزی :شهر نشینی ومشکلات مبتلا به از جمله بیدار ماندن تا دیر وقت وخستگی حاصل از آن یکی از عواملی است که امکان شب زنده داری را سلب می کند .متاسفانه امروزه کمتر کسی است که مانند گذشته ابتدای شب بخوابد ودر سحر بیدار شود وتوفیق نماز شب و... داشته باشد .لذا لازم است برای کسب این توفیق الهی حتی الامکان باید زودتر خوابید تا امکان سحر خیزی بیشتر میسر گردد .

۲- پر خوری : از جمله عواملی که به لحاظ بهداشت جسم وروان مورد تاکید متخصصان می باشد صرف غذای سبک در شب می باشد .زیاده خوری ومصرف غذاهای چرب وسنگین علاوه بر آسیب رساندن به جسم در بلند مدت توفیق بیداری وسحر خیزی را نیز از انسان سلب می کند .بنابراین توصیه می شود در ابتدای شب غذای سبک میل کنید تا خواب آرام وراحت تری داشته باشید وامکان توفیق شب زنده داری بیشتر کسب نمایید .

۳- کسالت وتنبلی :یکی از ویژگیهای ما انسانها تمایل به انجام کارها ورفتارهایی است که سختی ورنج کمتری دارد .اما انسانهای بزرگ برای کسب موفقیت و





رقیه اخلاقی امیری



سنت زیارت

باورهای اعتقادی شیعه همان اصول ناب اسلامی که در قرآن خطوط آن ترسیم و سپس با شرح و تفسیر ائمه معصومین (ع) تبیین شده است. بی تردید "توحید در صدر باورهای شیعه قرار دارد و در این کتب، عمق و ژرفای بیشتری یافته است به طوری که هر کس به مجموع احادیث توحیدی شیعه نظری بیافکند عمیق ترین درس‌ها از آن می‌گیرد.

یکی از موضوعاتی که پیوسته دستاویز مغرضان و دشمنان شیعه به ویژه وهابیت قرار گرفته مسأله "زیارت" است. آنان کوشیده‌اند تا زیارت قبور ائمه و اولیای دین و دعا و تضرع کنار مرقد معصومین را بدعت و شرک معرفی کنند و از این رهگذر پیروان اهل بیت را مشرک قلمداد کنند. در واقع آنان از این حقیقت غافلند که زیارت نیز سنتی دینی و نبوی است و هیچ گونه منافاتی با توحید ندارد.

زیارت از ریشه "زور" است. اصل این واژه به معنای میل و عدول از چیزی می‌باشد.

دروغ را از آن جهت، به زیارت تو می‌آید از غیر تو عدول می‌کند و رو بر می‌گرداند.^۱

زیارت در اصطلاح به معنای "قصد کردن چیزی با ملاقاتش می‌باشد، در اسلام برای ایجاد محبت و زیاد شدن روح عطوفت و زنده شدن عواطف انسانی و رفع نیاز یکدیگر به زیارت برادران دینی نسبت به هم سفارش مؤکد شده است. و هر اندازه اخلاص بیشتری در زیارت باشد، تأثیر روحی و اجتماعی آن بیشتر خواهد بود. لذا امام صادق (ع) می‌فرماید: "کسی که برادرش را برای خدا زیارت کند، خداوند می‌فرماید: مرا زیارت کردی و پاداشت بر من است و برای تو، به پاداشی کمتر از بهشت راضی نمی‌شوم"

اهداف زیارت (الف) زیارت الهی

تنها یک هدف حقیقی برای انسان و جهان وجود دارد و آن مهم ذات اقدس الهی است. و تنها یک مبدأ برای جهان و یک مقصد برای عالم است که آن مبدأ همان مقصد و آن مقصد همان مبدأ است و از آن در قرآن این گونه یاد می شود "هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ"^۳؛ اوست اول و آخر و ظاهر و باطن واو به هر چیزی داناست. هدف غایی زائر در زیارت، خدا و تقرب به ساحت الوهی است. مراد از هدف بودن خداوند و تقرب به سوی حضرت حق همانا تخلق به اخلاق الهی و تحصیل کمالات ربوبی است؛ "تَخَلَّفُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ"^۴؛ مزور حقیقی خدای متعال است و هدف از زیارت زنده شدن فضایل و خصلت های والای آن مزور در زائر و دوری جستن و برائت از بدها و و بدی هاست؛ از این رو تمامی فعالیت های عبادی که به انسان جهت می دهد خود زیارت الله است. با این مبنای معرفتی جایگاه و موقعیت زیارت بسیار فراتر از چیزی است که به ذهن افراد عادی می نشیند. البته اگر چه مزور حقیقی پروردگار عالم است، لیکن خداوند هر آنچه دیدنی است همه را در وجود رسول اکرم (ص) و اهل بیت آن حضرت (ع) به صورت بارز نمایان ساخته، به گونه ای که زیارت رسول اسلام (ص) و عترت طاهره (ع) گرچه زیارت مزور حقیقی نیست، لیکن همه خصایص مزور حقیقی در آن ذوات مقدس آشکار و نمایان است و این اقتضای مظهریت آن ذوات نورانی نسبت به نیر حقیقی و پروردگار سرمدی است. "مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ زَارَ اللَّهَ"^۵؛ کسی که مرد چه در حیات و چه بعد از وفات من زیارت کند به تحقیق خدا را زیارت کرده است.

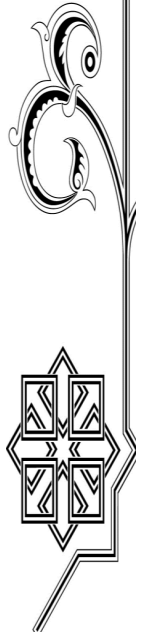
(ب) امام شناسی

همان گونه که اشاره شد، زیارت اهداف مهم و قابل توجهی دارد که زیر مجموعه هدف اصیل و نهایی زیارت الله و بعد از آن امام شناسی است، از این رو در دعای معروف دوران غیبت آمده است: "اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي"^۶؛ بارالها حجت خود را به من معرفی کن زیرا بدون شناخت حجت تو از دین گمراه می شوم. از سویی دیگر بی معرفت و ناآشنا به مقام امامت و شخص امام، مرگ و حیات او جاهلانه و در تیرگی است: "مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً"^۷؛

کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، در جهالت و نادانی مرده است. او از نظر علمی در جهالت و از نظر علی در ضلالت است و تنها حقیقتی که انسان را در مسیر علم، ایمان و عمل صالح قرار می دهد امام و ارتباط با اوست؛ بنابراین بعد از توحید و رسالت اولین حقیقتی که انسان در حیات انسانی خود بدان نیاز دارد، امامت و مسئله ی مهم امام شناسی است.

-دعاهای بعد از زیارت گرچه متضمن خواسته ها و رفع نیازهاست، لیکن نگاه اصلی به این نکته است که خداوند منشأ خیرات است و نیازها و خواسته ها به دست قدرت او لباس تحقق می پوشد و در این گذر انسان به اوصاف و چشمه های فراوان خیر و کمال الهی آشنا می شود. از جمله دعای بعد از زیارت عاشورا که از گویاترین





آن‌هاست و امام صادق (ع) دعای مذکور را چنین تعلیم می‌دهند "یاالله یاالله یاالله یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ یا کاشِفَ کَرْبِ الْمَكْرُوبِینَ، یا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِینَ و یا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِحِینَ یا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ..."^۸؛ ای خداوند، ای خداوند، ای خداوند و ای و اماندگان را اجابت می‌کنی و ای کسی که درد و سختی دردمندان را بر طرف می‌کنی و ای پناهگاه پناه جویان و ای فریادرس دادخواهان، ای خدایی که از رگ گردن به من نزدیکتری و ..."

در این دعا می‌بینیم که ائمه به ما می‌آموزند که باید از خدا خدا را خواست و خواند و به او عارف شد و او را معروف قرار داد که تمام کمال در این نوع معرفت توحیدی است که معرفت برتر در پرتو شناخت اسمای الهی امکان‌پذیر است.

-نماز بعد از زیارت که آهنگ توحیدی محض و آشکار است، زیرا نماز که یکی از ارکان و لوازم زیارت کامل است و بعد از زیارت در یکی از بهترین مکان‌ها مانند بالای سر مطهر معصوم (ع) یا در مکانی مانند مسجد خوانده می‌شود، دارای دو جنبه و جلوه است: یکی جلوه‌ی ذاتی و اولی که از آن و برای خداست و از این رو بعد از به خداوند عرض می‌کنیم: "اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ و لَكَ رَكَعْتُ و لَكَ سَجَدْتُ و حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّهُ لَا تَكُونُ الصَّلَاةُ و الرُّكُوعُ و السُّجُودُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ"^۹ خداوند، نماز را فقط برای تو به جا آوردم، زیرا اساساً نماز، رکوع و سجود فقط از آن توست و شریکی برای تو نیست تا برای او نماز گزارد. یا رکوع و سجود شود و تو همان خدایی هستی که معبود و الهی جز

تو نیست... و این همان جلوه‌ی اصیل و ذاتی نماز است و صبغه‌ی توحیدی در آن تام و کامل است.

اما جنبه دیگر نماز که تبعی است، ثواب و اجر آن است که به روح مطهر معصوم (ع) اهدا می‌شود که این خود یکی از آداب و شرایط کمال زیارت نیز محسوب می‌شود، از این رو پس از بیان حیثیت توحیدی نماز به خدا عرض می‌کنیم "اللَّهُمَّ وَ هَاتَانِ الرَّكَعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي اِلَى مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي و اِمَامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع)"؛ بارالها ثواب این دو رکعت هدیه‌ای از من به آقا و مولا و امام حسین بن علی (ع) است. این همان رویکرد صحیحی است که باید نسبت به زیارت در فکر و جان آدمی شکل بگیرد و حلقه‌های مرتبط یک حقیقت به نام زیارت را بنگرد، تا بتواند از آن بهره‌ی کامل و جامع ببرد^{۱۰}

پی نوشت:

۱- احمد بن فارس، مقاییس الغه، ج ۳، ص ۳۶.

۲- محمد باقر، تحریری، جلوه‌های لاهوتی، ج ۱، (شرح

زیارت جامعه کبیره)، ص ۲۳.

۳- سوره حدید، آیه ۳.

۴- محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۲۹.

۵- همان، ج ۴، ص ۳.

۶- همان، ج ۵۲، ص ۱۴۷.

۷- همان، ج ۸، ص ۳۶۸.

۸- همان، ج ۹۷، ص ۱۵۳.

۹- همان، ج ۹۷، ص ۲۸۸.

۱۰- مرتضی، واعظ جوادی، فلسفه زیارت و آیین آن

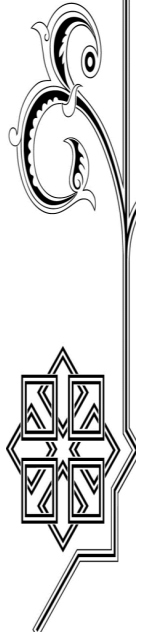
ص ۹۹-۱۰۵

ادامه دارد...

باید کسی روی سرم قرآن بگیرد

بگذار تا چشمان من باران بگیرد
این خسته جان عاشقم سامان بگیرد
شرمنده ام از خویش از رسوایی دل
می ترسم از شیطان دلم فرمان بگیرد
باید کمی قرآن بخوانم تادوباره
شهر دلم بوی گل وریحان بگیرد
محرم شدم شاید به رسم قاصدک ها
دل در حریمت عطر یارحمن بگیرد
بر شانه های خسته ام دردیست مولا
می خواهد از دستان تو درمان بگیرد
در ليله القدر اجابت هم اسیرم
باید کسی روی سرم قرآن بگیرد
دستم به سوی مهر تو آقا بلند است
بگذار قلبم نوری از ایمان بگیرد

وجیهه کلیدی



باور معاد

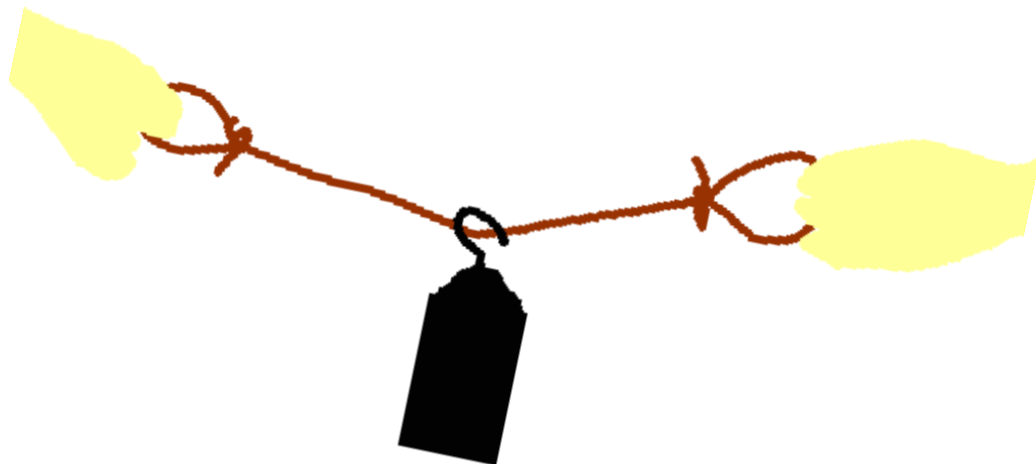
ونقش آن در زندگی

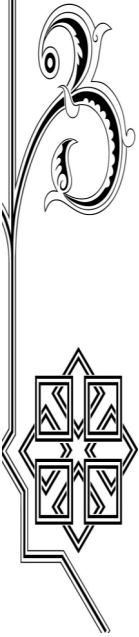
سمانه جعفرزاده یزدی

طغیان نمی‌کند تا باعث سرکشی به حدود و حقوق دیگران شود، و انسان برای رسیدن به شکم و شهوت، خود را تبدیل به یک موجود بی‌اراده نمی‌سازد، بلکه لحظات حساس زندگی خود را در راه ایثار و فداکاری، خدمات اجتماعی و تلاشهای پر ثمر صرف می‌کند.

تصور مرگ و جهان پس از آن نه تنها پویایی و نشاط را از انسان نمی‌گیرد؛ چرا که فعالیت انسان، مولود حس احتیاج و عشق به بقا است و با اعتقاد به قیامت این نیاز طبیعی از بین نمی‌رود. ایمان به معاد دامنه نیاز انسان را به بی‌نهایت می‌رساند و دنیا را کشتگاه آخرت می‌سازد، همان‌گونه که در نظام

نقش معاد در قلمرو اخلاق و روحیات نیز روشن است؛ زیرا این واقع بینی و طرز فکر، احساسات درونی را تعدیل کرده و آن را با خط مشی معقولی که با هدف نهائی سازگار است محدود می‌سازد. کسی که معتقد است همچون پر کاهی است که بر روی امواج جهان هستی قرار دارد و به طرف هدف نهایی آفرینش می‌رود، غرایز او نظیر ریاست طلبی، خود خواهی، مال دوستی، شهوت و غضب





آنان که زندگی دنیا را آخرین مرحله حیات می‌دانند، چهره‌ی مرگ برای آنها مهیب و وحشتناک خواهد بود، ولی کسانی که دنیا را گذرگاه و معبری برای رسیدن به ابدیت دانسته و معتقدند با تحقق مرگ، هنگام بهره برداری از ثمرات اعمال می‌رسد.

امام علی (علیه السلام) در فرمان‌های حکومتی و قوانین اداری خود، بر یاد حق و یاد معاد تاکید می‌فرمایند و کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری خود را با توجه دادن به ناظر حقیقی و یاد آوردن حسابرسی دقیق الهی را بر کردار و رفتار خود حاکم می‌داند، بی‌گمان از آنچه از او صادر می‌شود توجهی دقیق می‌نماید که بازگشت به سوی پروردگار را به یاد او آورد، تا بتواند به درستی عمل نماید و از بی‌انصافی و ستمگری، و از تندی و سرکشی خود را به دور نگه دارد.^۲

بنابراین از نگاه امام علی (علیه السلام) از مهم‌ترین عوامل بازدارنده آدمی، یادآوری پیوسته‌ی معاد است.

حضرت در جای جای فرمان حکومتی‌اش به مالک، مسأله معاد را یادآور می‌شود. ^۳ آنجا که می‌فرماید: ستم راندن بر بندگان بدترین توشه برای آن جهان است ^۴ "...پس باید حقوق آنان را تمام به آنان برسانی و گرنه به روز رستاخیز از کسانی می‌باشی که بیشترین دشمنان را داری."

طبیعت گندم از گندم می‌روید جو از جو، و نباید از مکافات عمل غافل شد، اعمال پلید؛ مانند ظلم استثمار و بی‌عدالتی که از عقاید کثیف نشأت می‌گیرد، نتایج زیانباری در زندگی جاودانی می‌گذارد و در جهان پهناور آخرت مفقود می‌شود.

باور معاد در فرد و اجتماع

برخی از مهم‌ترین تأثیرات باوری معاد در انسان از این قرار است:

ایمان به رستاخیز اثر عمیقی در تربیت انسانها دارد، به آنها شهامت و شجاعت می‌بخشد؛ از او یک انسان می‌سازد که شهادت در راه یک هدف مقدس الهی را محبوب‌ترین چیزها و آغازی برای یک زندگی ابدی و جاودانی می‌داند.

ایمان به قیامت می‌تواند یک عامل بازدارنده قوی در برابر گناه و خطاکاری باشد و انسان را در برابر گناه کنترل کند. دیگر این که ایمان به معاد و یا حتی قبول احتمالی آن، در انسان ایجاد مسئولیت و تعهد می‌کند، و او را به اندیشه و جستجوگری حق وادار می‌سازد.

امنیت روانی (آرامش)

اعتقاد به معاد به منزله‌ی امیدوار بودن به لنگرگاهی مطمئن و پهلو گرفتن کشتی در ساحل نجات است؛ لذا قرآن کریم از آن به دار قرار تعبیر شده است: ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است و آخرت سرای همیشگی است.^۱



نقش معاد باوری در رفتار اجتماعی

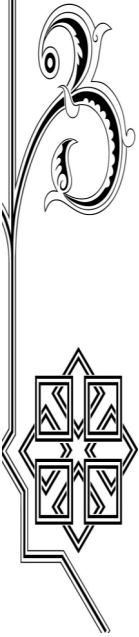
در بعد اجتماعی نقش سازنده ی ایمان به معاد، این است که توان مادی و معنوی را در جامعه حفظ می کند. بدون تردید در دنیای کنونی تعادل مادی و معنوی به هم خورده و تکامل ابزار جای تکامل انسان را گرفته و انسان از خود بیگانه شده است. امروز گرایش بشر به جنبه های مادی باعث شده که شخصیت انسان (روح) به فراموشی سپرده شود که به فرموده ی قرآن نتیجه آن خود فراموشی است.^۶ دلیل این مطلب روشن است؛ زیرا خداشناسی و ایمان به معاد در عمق جان انسان نهاده شده، فراموش کردن خدا و معاد در واقع فراموش کردن ذات و حقیقت خود است. به ویژه که خود واقعی انسان، روح است، نه جسم، نقش معاد در مسائل اقتصادی و مالی: قرآن به کسانی که داد و ستد دارند می گوید: وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمان می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند اما وقتی که می خواهند برای دیگران پیمان و وزن کنند، کم می گذارند! آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند* در روزی بزرگ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند.^۷

تعدیل غرائز و رشد فضایل اخلاقی در جامعه: یکی از آثار اجتماعی معاد این است که امیال طوفانی وتند و سرکش مهار می شود اعم از غرایز جنسی، غریزه ی حب جاه و مقام، قدرت طلبی و... یاد قیامت ریشه ی غفلت ها را از بین می برد: خداوند در قرآن می فرماید: شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند.^۸

غفلت همه ی وجودشان را فراگرفت و برآنان چیره گشت و یاد خدا را از یادشان برد؛ و چون یاد معاد همان یاد مبدأ است، با نسیان مبدأ جریان معاد هم فراموش می شود.^۹

ره آورد دیگر ایمان به معاد، صداقت و وفای به عهد و دوری از خدعه، نیرنگ و خیانت به مردم است.^{۱۰}

ایمان به آخرت باعث جلوگیری از تزییع حقوق و ظلم و ستم به دیگران می شود. معاد باوری انسان را به جایی می رساند که می گوید: "به خدا سوگند که اگر شبها تا به صبح بستر من نوک خارهای جان گذاز باشد، و روزها زنجیر در دست و پای من نهند و در کوچه و بازار کشانند، از آن خوش ترم که در دادگاه بزرگ پروردگار خویش حاضر شوم، در حالی که ستمی بر بنده هایی از بندگان خدا کرده باشم و حق کسی را غضب نموده باشم."^{۱۱} به همین دلیل همه ی ادیان و مذاهب الهی برای تربیت افراد و اصلاح اجتماعات کوشش وسیعی برای پرورش ایمان به قیامت، در دل مردم به عمل آورده اند. به ویژه در قرآن کریم بخش مهمی از مسائل تربیتی از همین راه تعقیب می شود. جالب است که بدانیم قرآن می فرماید: نه تنها ایمان و یقین برای تربیت انسان کافی است، بلکه ظن و گمان به آن هم اثر عمیق دارد: آیا آنها گمان نمیکنند که برانگیخته می شود، در روزی بزرگ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند.^{۱۲}



قرآن در موارد مختلفی تاکید می‌کند که تنها امید و رجاء به آن جهان برای جلوگیری از طغیان انسان در برابر حق و انجام کارهای نیک کافی است^{۱۳}: ...

پس هرکس به لقای پروردگارش امید دارد، باید کارهای شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.^{۱۴} بدین ترتیب این آموزه‌ها موجی از احساس مسئولیت در برابر همه‌ی رویدادهای زندگی در اعماق روح انسان که مومن به زندگانی پس از مرگ است به وجود می‌آورد.^{۱۵}

اعتقاد به خدا و آخرت باعث می‌شود فرد اعمال خود را به خوبی انجام داده و برای رسیدن به کمالات بیشتر در شناختن آخرت تلاش کند این اعتقاد که همان معاد است هم در فرد و هم در جامعه تاثیرات خود را می‌گذارد که هر کدام از این تاثیرات به یکدیگر ربط داشته و باعث کامیابی می‌شود.

هر فرد که ایمانش قوی‌تر باشد این اعتقاد و باور در او زودتر و بهتر بروز خواهد کرد و می‌تواند بسیاری از مشکلات او را حل کند.

پی‌نوشت:

- ^۱ غافر. ۳۹. وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ
- ^۲ نهج البلاغه. نامه ۵۳. ... و لَنْ تَحْكَمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تَكْثُرَ هُمُومُكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ
- ^۳ همان. بئس الزاد إلى المعاد العدوان على العباد
- ^۴ همان. حکمت ۲۲۰
- ^۵ همان. نامه ۲۶
- ^۶ توبه. ۶۷. نَسُوا اللَّهَ...
- ^۷ مطففین. ۱-۷
- ^۸ مجادله. ۱۹
- ^۹ عبدالله جوادی عاملی. معاد در قرآن. ج ۴. ص ۲۹
- ^{۱۰} نهج البلاغه. خطبه ۴۱
- ^{۱۱} همان. خطبه ۲۱۴
- ^{۱۲} مطففین. ۵-۷
- ^{۱۳} لازم به ذکر می‌باشد که در مفهوم امید و رجاء قطع و یقین نهفته نیست.
- ^{۱۴} کهف. ۱۱۰
- ^{۱۵} ناصر مکارم شیرازی. معاد و جهان پس از مرگ. ص ۷۵-۷۶



تربیت توحیدی کودک

سمانه اکبری



تربیت موجب پرورش یافتن و همچنین حرکت به سوی کمال بی نهایت است.^۱ این مسئله دارای چنان اهمیتی است که پیامبر اکرم سفارش فرموده: ((فرزندان خود را گرمی بدارید و خوب تربیتشان کنید.))^۲ همچنین بنا به فرموده امام سجاد (علیه السلام) از جمله حقوق فرزند تربیت صحیح اوست. در این راه، شیوه ی اتخاذی باید نوعی سنخیت با ویژگی های درونی (فطریات) فرزند داشته باشد.

قرآن کریم استفاده از این شیوه را از زبان حضرت لقمان در سفارش به فرزندشان اینچنین بیان می دارد ((وَلَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ))^۳ حضرت لقمان در این کلام و سفارش خود از دانش قبلی فرزندش (فطرت) برای راهنمایی او بهره برده است. دلیل بر فطری بودن این امر (شرک نوزیدن به خدا=توحید) آنجائست که خداوند می فرماید: ((فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...))^۴.

نص صریح آیه مقتضای فطرت آدمی را توجه به دین می داند و دین در حقیقت همان پرستش و نگرش موحدانه است و لازمه خدا پرستی فطری این است که متعلقش را بشناسد، یعنی همه انسانها فطرتاً با خدا آشنایند.^۵ این سخن در واقع پاسخی است به آن گروه از والدین که می گویند ما چگونه فرزندانمان را با خدا آشنا کنیم؟ در جواب سؤالشان



و در واقع نگرش موحدان به زندگی داشته باشد. اگر چنین پیوندی براساس ملاک‌هایی که برگرفته از یاد خداوند مثل ایمان به خداوند و آخرت^۹، پاکدامنی و همچنین توانایی بر فرزند آوری برای زن باشد قطعاً روح توحیدی موجب استحکام آن می‌شود.

از دیگر اهداف ازدواج تداوم نسل آدمی است و حتی غریزه فرزندخواهی^{۱۰} کمک به شکل‌گیری و اشتیاق به سوی محقق شدن این هدف می‌کند. مولای متقیان نیز علت تحریم لواط را منع تکثیر نسل می‌دانند.^{۱۱}

برخی جلوه‌های توحیدی

بزرگداشت تولد

روزی که هر انسان متولد می‌شود در حقیقت روز آغاز بارش نعمات الهی بر اوست و نعمت زندگی کردن و موجود بودن از بزرگترین الطاف الهی محسوب می‌شود. در روایتی در این زمینه آمده است که ((پیامبر خدا از حضرت علی (علیه السلام) پرسید: نخستین نعمتی که خداوند به تو عنایت کرد چیست؟ امام پاسخ دادند: نخستین نعمت الهی بر من، این است که مرا آفرید، در حالیکه چیز در خور ذکری نبودم.))^{۱۲}

یادآوری این نعمت و این روز بالاخص برای کودکان، نه تنها نوعی آموزش سپاسگذاری و

باید عرض کرد:

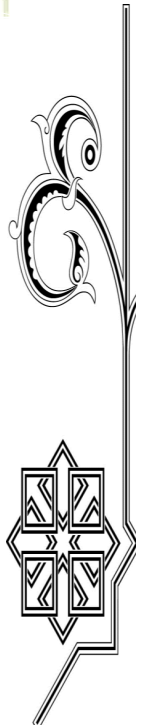
به فرموده پیامبر (ص) ((کلُّ مولودٍ یولد علی الفطرة))^۶ فرزندان فطرتاً با خدا آشنایند، این وظیفه والدین است که اسباب و شرایط آشناتر شدن فرزندانشان با خدا را فراهم می‌کنند نه خود آشنایی را.)

ازدواج توحیدی و ثمره آن

خداوند تمامی موجودات زنده من جمله انسانها را زوج آفرید و لازمه‌ی زوجیت قرارگیری دو جنس مختلف در کنار یکدیگر است. بر این اساس، غریزه جنسی سبب کشش و تمایل این دو به سوی یکدیگر می‌شود. اسلام به احترام خلیفه‌ی الهی انسان، بهترین راه پاسخ‌گویی به این نیاز را ازدواج معرفی می‌کند.

اما تنها انگیزه این پیوند (ازواج) که در قرآن از آن به پیوند محکم یاد شده است ((و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً))^۷، برآوردن نیاز جنسی نیست بلکه رسیدن به آرامش از مهم‌ترین اهداف آن است ((وَ مِنْ آیاتِهِ اِنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجاً لِتَسْكُنُوا اِلَيْهَا))^۸ در آیه ۲۸ سوره رعد نیز رسیدن به آرامش را یاد خدا معرفی می‌کنند: ((اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)) جمع میان این دو آیه را چنین می‌توان بیان کرد:

فردی در امر ازدواج میتواند همسر خویش را به آرامش برساند که خود به آرامش حقیقی رسیده باشد و این مهم محقق نمیشود مگر آنکه در تمامی ابعاد زندگی حضور خداوند را یافته باشد



شکر نعمت به آنهاست بلکه با یگانه خالق هستی آشنا میشوند؛ به نحوی که والدین به او بگویند خداوند مهربان تورا به ما ارزانی داشت و همزمان با رشد و بزرگتر شدنش به این مسئله پی می‌برد که نه تنها او بلکه دیگر انسانها و کل هستی منتهی به وجودی میگردند که او واحد و یگانه در خلقت عالمیان است. (توحید در خالقیت)

نامگذاری

نام انسان به عنوان برجسبی است که از آغاز تا پایان عمر و حتی در قیامت همراه اوست و این نام در روحيات فرد میتواند اثرگذار باشد^{۱۳}؛ زیرا انسان بالطبع الگوپذیر است و قرار دادن نام بزرگان بر فرد به نوعی موجب الگوگرفتن از او میشود. ولی به توصیه اولیای الهی از بهترین نامها نامی که عبودیت و بندگی در برابر خداوند یکتا را یادآور شود است؛ و از آنجا که قرار دادن نام نیک بر فرزند از جمله حقوق او^{۱۴} به شمار می‌آید پس چه نیکوست که اینچنین نامی برای او انتخاب شود.

خواندن اذان و اقامه در گوش

پژوهشگران اثبات کرده اند که کودکان پیش از تولد و در مرحله جنینی از صداهای اطراف مثل صدای قلب مادر، حرکت غذا در روده و... تأثیر می‌پذیرند و همچنین در روزهای اول تولد حس شنوایی آنها نسبت به حس بیناییشان هوشیارتر است.^{۱۵}

در روایتی نقل شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم به

اسماء بنت عمیس و ام سلمه فرمود: فاطمه را حاضر نمایید. وقتی فرزندش متولد شد اذان به گوش راست و اقامه به گوش چپش بگویند، زیرا این عمل باعث میشود که انسان از شر شیطان محفوظ بماند.^{۱۶}

نوزاد با شنیدن این الفاظ نوعی آشنایی با آنها پیدا میکند و چون اذان و اقامه دارای مضامینی از جمله شهادت به وحدانیت خداوند یکتاست که به عنوان سدی در برابر نفوذ شیطان در وجود کودک است و مانع گرایش به وی شرک می‌شود.

بازی کردن

یکی از نیازهای کودکان، نیاز به بازی کردن است. در حقیقت بازی موجب پرورش روح و سببی برای سرور و لستنباط خاطر کودکان است. در سایه آن می‌توان صفات اخلاقی و اجتماعی فراوانی را به او آموخت و قواعد و راه ورسم زندگی را به او یاد داد.^{۱۷}

به طور مثال در جلد ۴۳ بحار الانوار داستانی را از نحوه ی تربیت کردن امام حسن (ع) به این گونه نقل کرده اند: روزی حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرزندش حسن (ع) را که کودکی بیش نبود بالا و پایین می‌انداختند و می‌فرمودند: (اشبه اباک یا حسن واخلع عن الحق الرسن // واعبد الها ذاالمنن ولا تُوال ذالاحن)

ای حسن مانند پدرت علی باش و ریسمان از گردن حق بردار، خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی مکن.^{۱۸}

شود: سجده کن. باز رهايش کند تا شش سال را تمام کرد به او بگو: نماز بخوان و به رکوع و سجود آموخته شود تا هفت ساله شود، در این هفت سالگی دستور دهند تا دست و صورتش را بشوید بعد گفته شود: نماز بخوان...))^{۲۰}

پی نوشت:

۱- رک: سید محمد امیری و مجتبی مصطفایی، روانشناسی رفتار با

کودک، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ۱۳۸۶، ص ۱۶

۲- هادی موحدی، یک هزار حدیث، ارم، قم، ۱۳۸۳، ص ۲۱۵

۳- لقمان/ ۱۳

۴- روم/ ۳۰

۵- رک: محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن (۱-۳)، مؤسسه آموزشی

پژوهشی امام خمینی (رحمة الله)، قم، ۱۳۸۶، ص ۴۲

۶- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳

ق. ج ۵۸، ص ۱۸۷

۷- نساء/ ۲۱

۸- روم/ ۲۱

۹- رک: محمد رضا سالاری فر، نظام خانواده در

اسلام، هاجر، قم، ۱۳۸۸، ص ۳۴

۱۰- رک: محمد رضا سالاری فر، همان، ص ۸۹

۱۱- رک: نهج البلاغه، همان

۱۲- محمد محمدی ری شهری، حکمت نامه کودک، عباس

پسنندیده، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۵، ص ۸۲

۱۳- رک: علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل

بیت (ع)، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰، ص ۳۳

۱۴- رک: احمد بهشتی، اسلام و حقوق کودک، بوستان کتاب

قم، ۱۳۸۵، ص ۷۰

۱۵- رک: علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰، ص ۵۶

۱۶- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، محمد جواد نجفی، کتابفروشی

اسلامیه، تهران، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۲۸۴

۱۷- رک: رسول آذر، بازی و اهمیت آن در یادگیری،

احرار، تبریز، ۱۳۷۳، ص ۲۴

۱۸- احمد لقمانی، الگوهای ناب در نگاه دخت آفتاب، عطر

سعادت، قم، ۱۳۸۰، ص ۵۶

۱۹- رک: نهج البلاغه، محمد تقی جعفری، به نشر، مشهد، ۱۳۸۰، ص ۸۲۳

۲۰- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، محمد حسین

رحیمیان، مؤمنین، بی جا، ۱۳۸۶، ص ۶۳۹

مادر میتواند در بازی با کودک روحیه ی عبودیت و اعتقاد به توحید را در قالب شعر بیان کند که سبب خستگی و ملال آوری او نشود، مانند آنچه که حضرت زهرا (س) در بازی با کودک خود اعمال کردند.

عبادت کودکانه

عبادت همان اظهار عجز

در برابر خالق عالمیان

است و به شکل نماز،

روزه، دعا و... ظهور پیدا

میکند. آنچه مسلم است

آموز این عبادتها به نفس

سرکش و رام کردن آن

است که اگر این تمرین از

دوران طفولیت که به

فرموده ی امام علی (ع) ((قلب کودک مانند زمین خالی است که هر بذری در آن بکارندمی روید...))^{۱۹} آغاز شود پذیرش آن برای نفس در بزرگسالی کاری آسانتر خواهد بود.

آموزش عبادت علاوه بر سهل گیری باید مرحله ای

باشد آنچنان که امام صادق (علیه السلام) فرموده اند

((عبدالله بن فضاله گوید: از امام صادق (ع) -یا امام باقر

(ع) - شنیدم که می فرمود: آنگاه که کودک سه ساله

شد به او یاد بده که: هفت مرتبه گوید ((لا اله الا الله))

آنگاه رها شود تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست

روز برسد، آنگاه به او بگویند: بگو ((محمد رسول الله))، باز

تا چهار سالگی او رها شود و وقتی چهار سالش تمام

شد، به او بگویند که هفت مرتبه بگوید ((صلی الله علی

محمد و آل محمد)) آنگاه رهايش کن تا پنج سال تمام

شود آنگاه به او گفته شود: دست راست و چپت کدام

است؟ هر گاه شناخت رو به قبله واداشته، گفته





معاد جسمانی

از دیدگاه ادیان

تکنم اشتری



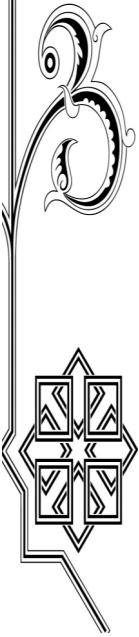
ترسیم معاد جسمانی و اثبات آن، که از پیچیده ترین مباحث قیامت به شمار می رود، با استفاده از نظریات مختلف اندیشه گران مذهبی- پس از حذف اضافات و جمع بندی- برای نخستین بار با ارائه تصویرهای مختلفی از معاد جسمانی مطرح شده است و به علت عدم تضاد با ظواهر قرآن و سنت و اصول علمی و عقلی، نقدی بر آن ها صورت نگرفته است، تا با تمام ذوق ها، فرهنگ ها و اندیشه ها سازگار باشد. در زمینه اثبات اصل معاد نیز با تقدیم دلایل مختلف، این هدف تعقیب گردیده و این باور مذهبی با بیان های مختلف و فرهنگ های گوناگون به ثبوت رسیده تا برای همگان سودمند و قابل درک باشد.

معاد جسمانی در دوران جاهلیت

اعراب جاهلیت (قبل از اسلام) به رغم اینکه گرفتار شرک بودند، ولی در میان آنها بسیاری به معاد باور داشتند. برخی از جامعه شناسان می گویند: در میان جوامع، تشبیه رستاخیز به طبیعت از دیر زمان مورد توجه بوده است. "زهیر بن ابی اسماعیل" روزی از کنار درختی گذشت که بعد از پایان خزان دوباره سبز شده بود. او گفت:

اگر از دشنام عرب نمی ترسیدم، به آن قادری که این درخت را بعد از خشک شدن زنده گردانیده، ایمان می آوردم. اوست که می تواند استخوان های پوسیده ای را که از انسان باقی مانده، زنده گرداند. او بعدها ایمان آورد، و در اشعاری گفت:

يُؤَخَّرُ فَيُؤَضُّعُ فِي كِتَابٍ فَيُدْخِرُ لِيَوْمٍ حِسَابًا وَيُعَجِّلُ فَيُنْتَقِمُ.



گفتار و کردار انسان در پرونده اعمالش می ماند، و در روز قیامت به حسابش رسیدگی می شود و یا در همین دنیا به کیفر کردارش می رسد. عصیان بر ضد معاد جسمانی، بیانگرفطری بودن آن است. ما دیگران و فرقه‌معهطله روشنفکران و ملحدانی بودند که معاد را منکر شدند.^۱

معاد از دیدگاه برهمایی ها

برهمایی ها بر اساس اصول اعتقادی خود ایمان به معاد دارند. ارکان اعتقادی آنها را سه اصل تشکیل می دهد:

۱. امتیاز طبقاتی ؛

۲. ریاضت و زهدگرایی تا مرز ترک دنیا؛

۳. ضرورت تناسخ و حلول ارواح مردگان در پیکر حیوان، انسان و گیاه.

آنها می گویند: کسانی که با ریاضت های سنگین، خواسته ها و هواهای نفسانی را سرکوب کرده و پشت پا به دنیا و همه تمایلات حیوانی بزنند، به مجرد مرگ به ”برهما“ می پیوندند، در غیر این صورت به بدن انسان یا حیوان حلول کرده و به تناسب اعمال و کردار قبلی خود در لذت یا عذاب قرار خواهند گرفت؛ این مرگ و ولادتها بر اساس تناسخ-به قدری تکرار می شود تا سرانجام انسان به کمال مطلوب رسیده و به ”برهما“ برسد.^۲

معاد جسمانی یک حادثهء طبیعی است

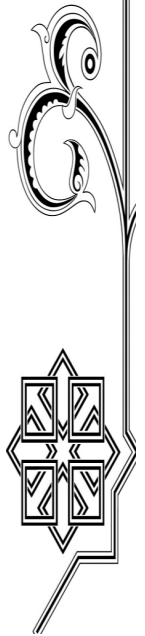
دسته ای از آیات در بر دارنده این مفهوم است که زنده شدن مردگان و قیامت یکی از سنت های اجتناب ناپذیر و طبیعی جهان است. حادثه مذکور خواه ناخواه تحقق پیدا می کند، همچنان که فرا رسیدن مرگ، طبیعی است و هیچ اختیاری در این باره انسان از خود ندارد. قیامت هم به صورت یک امر جبری واقع می شود. چه بخواهیم و چه نخواهیم، برای دومین بار زنده خواهیم شد و شاید با کمال تعجب بگوییم: کدام قدرت ما را دوباره حیات بخشید برای نمونه به برخی از آیات اشاره می کنیم: وَقَالُوا أَتُحَادِثُونَ أَفْئِدَتْنَا لَمُبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ

خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ؛^۳

منکران رستاخیز گفتند: آن گاه که ما استخوان پوسیده و پراکنده ای شدیم، دگر بار آرامش تازه ای خواهیم یافت؟! بگو ای پیامبر! اگر سنگ یا آهن باشید- که به مراتب از استخوان و خاک در پذیرش صورت انسانی دورتر است- یا موجودی بزرگ تر و سخت تر شوید [باز خدا قادر است شما را به زندگی دوباره باز گرداند].

آنها به زودی خواهند گفت: کدام قدرت ما را زنده می کند؟ بگو: آن که در آغاز شما





را آفرید. زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ
يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ
بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ^۴

کافران پنداشتند که هرگز

برانگیخته نمی شوند، بگو بلی سوگند به پروردگرم هر آینه برانگیخته می شوید و به کیفر کردارتان خواهید رسید و این امر به خدا آسان است. این گونه آیات فقط عهده دار تحقق معاد و قیامت به صورت طبیعی است، ولی از چگونگی رستاخیز و دلیل لزوم آن سخن نمی گوید.

لزوم رستاخیز از نظر قرآن

دسته ای از آیات به اثبات رستاخیز می پردازد، و برای اثبات تحقق قیامت شواهد گوناگونی بیان میکند.

الف) بیان قدرت نامحدود الهی

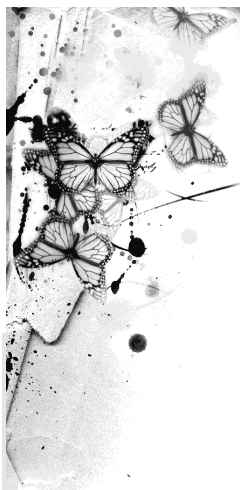
خداوند بر همه چیز تواناست و اگر حادثه ای از نظر خرد امکان پذیر باشد و همخوان با مصلحت آفرینش و نظم آن باشد، بدون شک به قدرت بی پایان حق تعلق می گیرد؛ پیدایش هر امر ممکن، امکان دارد و عدم وقوع آن، بر خلاف منطق عقل است. چون پیش تر امکان زنده شدن مجدد مردم و تشکیل رستاخیز را روشن ساختیم و ضرورت و لزوم آن را از طرقی مختلف به ثبوت رساندیم، بنابراین تحقق رستاخیز طبق وعده خداوند و اخبار وحی امکان ناپذیر است.

آن قدرتی که در آغاز انسان را آفرید و طبق یک نقشه منظم پیوسته موجودات را خلق می کند، می تواند دوباره آنها را احیا کند.

ب) زنده شدن طبیعی و جبری

گاه آیات در زمینه احیای مردگان توجه آدمی را به مراحل نخستین خلقت و مرحله هایی که بعداً می پیماید، جلب می کند، و مسأله زنده شدن مردگان را یک امر طبیعی و سیر جبری و تکاملی تلقی می کند. همان گونه که پیدایش نخستین و مراحل بعدی، از اختیار بشر بیرون است و یک نیروی مافوق طبیعت او را از این منزل به منزل دیگر و از صورتی به صورت دیگر منتقل می کند، همان قدرت خارق العاده دوباره زنده می کند و به سوی خدا باز می گرداند.





كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ
يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛^۵

چگونه به خدا کافر می شوید؟ در حالی که شما مرده [و اجسام بی روحی] بودید، و او شما را زنده کرد بعد از مدتی شما را می میراند؛ آن گاه زنده می کند؛ پس به سوی خداوند بازگردانده می شوید.

ج) توانایی بر امور مشکل تر

گاه قرآن مجید از طریق قدرت پروردگار، معاد جسمانی را ثابت می کند، و از راه توانایی خداوند بر حوادث مشکل تر وارد می شود. بدیهی است وقتی روشن شد آفریدگار برای ایجاد مخلوقاتی که مشکل تر از زنده شدن مردگان است، قدرت دارد، قطعاً بر کارهایی که از نظر اهمیت در درجه پایین تری قرار گرفته اند، نیز توانایی خواهد داشت.

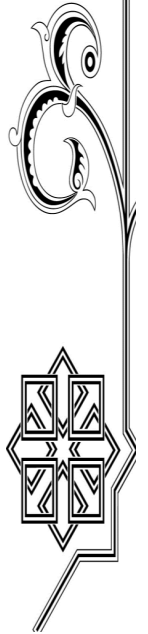
اینک نمونه ای از این آیات را می آوریم. وَ هُوَ الَّذِي بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ؛^۶ خداوند متعال آن چنان قدرت دارد که آفرینش را آغاز می کند، پس از مرگ و پراکندگی [آن را باز می گرداند، و این کار برای او آسان تر است. شایسته یادآوری است که از نظر برهان عقلی، تمام کارها، در پیشگاه قدرت نامحدود آفریننده جهان یکسان است، و ذکر کلمه "اهون"، در مقایسه با قدرت بشر است، زیرا آفرینش هر چیز برای قدرت الهی مساوی است و سختی یا آسانی به هیچ گونه ندارد.

مکافات جسمانی و لزوم آن

گاه آیه ها معاد جسمانی را از راه ذکر پاره ای از عذاب های مادی مجسم می کند، و ضرورت این نوع مجازات و لزوم پاداش اعمال را گوشزد می نماید. ما از نوع عذاب ها می فهمیم معاد جسمانی است، زیرا روح در آتش نمی سوزد و از راه جسم است که عذاب را می چشد.

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا أَنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ؛^۷

بازگشت همه شما به سوی اوست! این یک وعده تخلف ناپذیر است؛ همانا او آفرینش را به وجود می آورد و سپس (بعد از مرگ و نابودی) آن را بر می گرداند، تا انانی که ایمان دارند و عمل شایسته انجام داده اند، به عدالت پاداش ببینند و برای آن هایی که کافر شده اند، نوشیدنی از مایع سوزان است؛ و عذابی دردناک، به جرم آن که کفر می ورزیدند!

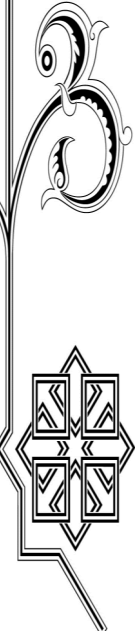


وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا
أَحَاطَ بِهِنَّ سِرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ؛^۸
بگو: این حق از سوی پروردگار شماست، پس هر کس بخواهد ایمان بیاورد (و
این حقیقت را پذیرا شود) و هر که خواهد کفر بورزد؛ ما برای ستمگران
آتشی را که سرپرده آن، آنان را در بر گرفته، آماده ساخته ایم! و اگر از
شدت تشنگی تقاضای آب کنند، آبی برای آن‌ها می‌آورند که همچون فلز
گداخته صورت‌ها را بریان می‌کند!

از احمد بن زیاد همدانی (ره) حدیث می‌کند که او گفت: برای ما روایت
کرد علی ابن ابراهیم بن هاشم از پدرش از محمد بن ابی عمیر از جمیل بن
درّاج از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند:
إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ الْخَلْقَ أَمْطَرَ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا،
فَاجْتَمَعَتِ الْأَوْصَالُ وَنَبَتِ اللَّحُومُ.^۹

” چون خداوند اراده فرماید که مردم را برای قیامت محشور کند، چهل
شبهانه روز آسمان بر زمین باران ببارد؛ و در این صورت، اجزاء و اعضاء بدن
ها به هم می‌پیوندند و گوشت بر روی آن‌ها می‌روید .

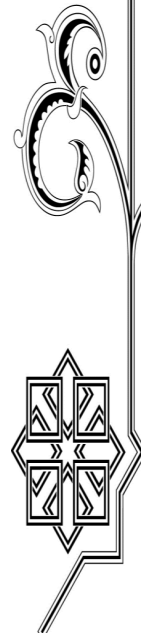
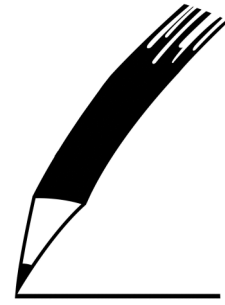
هر فردی، از روح و بدن تشکیل شده و انسان متعهد و مسئولی که مورد
خطاب الهی و دستوره‌های بشری است، همین آدم مرکب است. تمام اعمال
لذت‌ها و رنج‌ها از چنین آدمی (مرکب از روح و جسم) قابل انجام و درک
است. از طرفی چون کالبد محسوس، پیوسته در حال تکامل است، و در
طول زمان عوض می‌شود، نمی‌تواند تمامی مشخصات فردی را نگه دارد؛
ناگزیر جسم سیال و ثابتی در بدن آدم باید وجود داشته باشد که بتواند
تمام ویژگی‌های اشخاص را حفظ کند. از نظر معتقدان به وجود روح وجود



چنین جسم دقیقی اجتناب ناپذیر است، و طبق دلیل‌های قطعی، انسان با همین وضع کنونی- با مختصر تغییر صورت- در قیامت محشور می‌گردد. اگر باز گشت تمام ذرات بدن ضروری باشد، جسم آدمی از کوه هیمالیا بزرگ‌تر خواهد بود! از این رو امام صادق علیه السلام به بقای طینت اعتقاد داشته، از سوی دیگر بازگشت ذرات جسم آدمی به مقدار تشکیل یک بدن اشکال عقلی و ایراد شرعی ندارد؛ به همین جهت در روح بازپسین روح به ضمیمه جسم ثابت- که دارنده تمام مشخصات فردی است- به کالبدی که از ابزار مادی و مقداری از مواد بدن ساخته و پرداخته می‌شود، تعلق خواهد گرفت. بدین وسیله زنده شدن مردگان تحقق می‌پذیرد؛ البته زندگی دوباره مطابق قانون صورت می‌گیرد، نه بر اساس زایش‌های معمولی؛ زیرا تجدید حیات در انحصار جریان طبیعی کنونی نیست؛ راه‌های دیگری هم برای به وجود آمدن موجودات زنده هست. علم و قدرت الهی موجب تجمع اجزای پراکنده و بازگشت حیات با تمام مشخصات فردی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. عبدالله بن زید از شعرا و دشمنان پیغمبر بود. او معاد را نمی‌پذیرفت، ولی پس از چندی اسلام آورد.
۲. فرید وجدی، دایرة المعارف قرن بیستم، کلمه بره.
۳. اسرا (۱۷) آیه ۴۹ - ۵۱.
۴. تغابن (۱۶) آیه ۷ . ۵. قیامت (۷۵) آیه ۳۶ - ۴۰.
- ۵- بقره (۲) آیه ۵- ۹.
- ۶- یونس (۱۰) ، آیه ۴ .
۷. روم (۳۰) آیه ۲۷ .
۸. -کَهِف (۱۸) ، آیه ۲۹ .
- ۹- " أمالی " صدوق ، طبع سنگی ، ص ۱۰۷ .



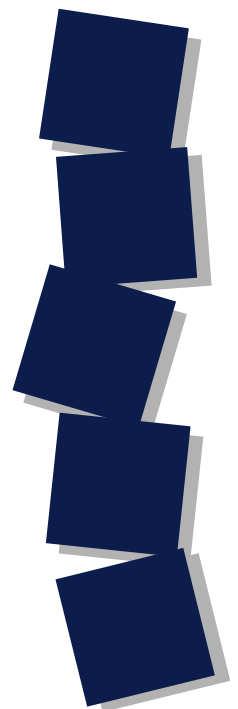
شرکت مدرسه علمیه اسلام شناسی در هفتمین نمایشگاه بین المللی

قرآن و عترت

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها در هفتمین نمایشگاه قرآن و عترت در محل دائمی نمایشگاه بین المللی مشهد برای دومین سال متوالی شرکت نمود.

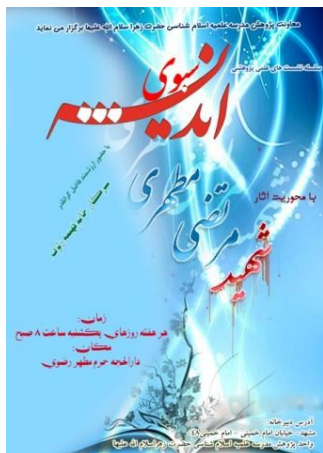
سرکار خانم کلیدری مسئول غرفه اسلام شناسی هدف از شرکت در این نمایشگاه را آشناسازی مردم بالاخص جوانان با مفاهیم قرآنی و ارائه فعالیت های حوزه علمیه اسلام شناسی در زمینه قرآن و عترت ذکر نمود.

وی در خصوص فعالیت های مدرسه علمیه اسلام شناسی در این نمایشگاه گفت: در غرفه مدرسه علمیه اسلام شناسی برای اولین بار از "نرم افزار کوثر احکام و نرم افزار ارتباط معجزه با همسر" رونمایی شد و در طول برگزاری نمایشگاه این دو محصول با تخفیف در اختیار علاقمندان قرار گرفت. همچنین در این غرفه در خصوص طرح تفسیری قرآن که برای اولین بار توسط مدرسه علمیه اسلام شناسی برگزار شده است برای علاقمندان اطلاعاتی ارائه شد.



نشست علمی پژوهشی "سبوی اندیشه" با محوریت آثار شهید مطهری

همزمان با فرا رسیدن ایام شعبانیه معاونت پژوهش مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها برگزار می‌کند. نشست علمی "سبوی اندیشه" با



هدف ارتقاء سطح اندیشه اعتقادی و دینی خواهران طلبه با محوریت مباحث اعتقادی و بررسی آثار شهید مطهری برگزار می‌گردد.

مسئول محترم این طرح سرکار خانم استاد رئوف در این رابطه فرمودند: در پی اشاعه فرهنگ و اندیشه اسلامی و استوار ساختن بنای معرفت دینی و اعتقادی، لازم است طلاب فرهیخته از محضر دروس بزرگ مرد وادی اندیشه، استاد شهید مطهری فیض برده و سبویی از اندیشه‌ها و معارف این عالم بزرگوار بگیرند. به منظور بهره بردن شرکت‌کنندگان گرانقدر

از آثار و اهداف طرح مذکور، این دوره در چهار بخش با محوریت مطالعه، مباحثه، تحلیل و نشست نهایی برگزار می‌شود. لازم به ذکر است که این طرح ویژه طلاب پایه ۴ و ۵ حوزه می‌باشد ولی حضور سایر طلاب و افراد غیرحوزوی بلامانع می‌باشد. سرکار خانم استاد رئوف تأکید فرمودند که در حال حاضر به منظور پیشبرد اهداف طرح و توفیق روزافزون شرکت‌کنندگان کتاب انسان و سرنوشت و کتاب اسلام و مقتضیات زمان در دست مطالعه می‌باشد.

شایان ذکر است که این طرح از ۱۲ تیرماه هر هفته روزهای سه شنبه از ساعت ۸:۳۰ صبح در محل دارالحجّه حرم مطهر رضوی با حضور استاد گرامی سرکار خانم رئوف برگزار می‌گردد.

ارتقاء سطح خدمات مشاوره واحد مبلغین مدرسه علمیه اسلام‌شناسی

واحد مبلغین مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها در نظر دارد برنامه مشاوره خود را به منظور پوشش هرچه بهتر کلیه اقشار جامعه گسترش دهد. سرکار خانم زوارزاده مسئول واحد مبلغین مدرسه علمیه اسلام‌شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها با اعلام این خبر افزود: انشاءالله از ۱۰ شهریور ماه واحد مبلغین مدرسه علمیه اسلام‌شناسی با برخورداری کارشناسان حوزه دینی و مبلغین فرهیخته در زمینه‌های احکام و شرعیات، خانواده و ازدواج، تربیت فرزند و تحصیل و همچنین شبهات دینی و آخرالزمان و ... پاسخگوی کلیه اقشار جامعه می‌باشند.

فہیمہ رئوف*

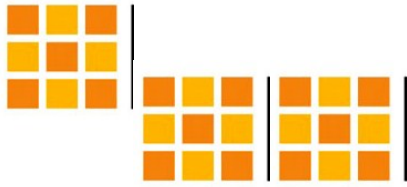
موعود باوری و اعتقاد به منجی آخر الزمان از تمایلات فطری بشر و وعده ای است کہ در ادیان الہی آمدہ است. اندیشہ آیندہ نگری اختصاص بہ ملل و قوم خاصی ندارد، بلکہ تمام بشریت در جستجو و انتظار فردای بہتر و روشن تر می باشند. پیروان ادیان بزرگ و بیشتر ملت های جہان امروز بہ ظہور منجی بزرگ در آخر الزمان ایمان دارند، آن کسی کہ حکومت سراسر عدل و آسایش او تمام گیتی را فرا خواهد گرفت و ہرگونہ ظلم و ستم از زمین رخت خواهد بست. یکی از ابعاد حاکمیت توحیدی کہ در زمان حضرت مہدی (عج) تحقق می یابد این است کہ انسان، در مسیر و مقصد اصلی و حقیقی خویش قرار خواهد گرفت. خداوند می فرماید: “وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنہم فی الارض کما استخلف الذین من قبلہم و لیمکنن لہم دینہم الذی ارتضی لہم و لیبذلنہم من بعد خوفہم امانا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فأولئک ہم الفاسقون.”^۱

”خدا بہ کسانی کہ از شما ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده داده است کہ حتما آنان را در زمین جانشین امت های قبل قرار دہد، همانگونہ کہ صالحان از پیروان انبیای سلف را جانشین گذشتگان آنان قرار داد، و علاوہ بر این، حتما آن دینی را کہ بر ایشان پسندیدہ است [یعنی اسلام واقعی را] برہمہ ادیان تمکن و سیطرہ بخشد و خوف مؤمنان از دشمنان را بہ ایمنی مبدل گرداند [تا] ہمہ مؤمنان مرا عبادت کنند و چیزی را بہ من شریک قرار ندهند، و بعد از آن ہر کس کہ کفر گراید، آنانند کہ فاسقان و نافرمانند] و با شناخت حق و حقیقت بہ حکم ہواپرستی بہ راہ کفر می روند.

این آیہ بہ روشنی وعده ی حتمی خداوند متعال بہ مؤمنان و صالحان مبنی بر حاکمیت آنان و سیطرہ دین الہی و امنیت و عبودیت بہ معنای واقعی را بیان می کند. با ظہور امام مہدی (عج) چنین اموری محقق می

جامعہ آرمانی

عصر طلہور ۲



سراسر ستم و دشمنی شده بود...^۳

براساس آموزه های دینی و تعالیم و حیانی یکی از اهداف اساسی حکومت مهدوی همچون دیگر حرکت های الهی، ایجاد قسط و عدل در تمام زمینه ها است.^۴ آنچه از روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) درباره پیامدهای ظهور مهدی (عج) نقل شده معلوم می شود که مهدی موعود (عج) به عنوان حجت الهی در زمین و وارث انبیاء و آخرین امام معصوم در عالم، روزی برای تحقق کامل و عینیت بخشیدن همین هدف الهی انبیاء ظهور خواهد کرد.^۵

همچنین براساس روایات معصومین این گستره عدالت در حکومت مهدوی بسیار وسیع و فراگیر و تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را در برمی گیرد. عدالت اقتصادی، عدالت امنیتی و سیاسی عدالت فرهنگی عدالت اجتماعی.

به این هدف مهم و اساسی بعثت همه انبیاء الهی که محور اصلی اصلاحات در حکومت امام عصر می باشد فاطمه زهرا "سلام الله علیها" درسرخنان خود که منشور جاودانه هدایت برای بشریت است چنین اشاره

و در احادیث می فرمایند: "ما عمرت البلاد بمثل العدل" هیچ عاملی همچون عدل باعث سازندگی و آبادانی سرزمین ها نمی شود.

یا فرموده اند: "العدل احلی من الماء یصبیه الظمان"^۳

عدل شیرین تر از آب گوارای است که تشنه ای به آن میرسد یا فرمودند: "العدل اساس به قوام العالم"^۴ عدالت اساس و رکنی است که قوام و ماندگاری عالم به آن است

در احادیث دیگر عدل "سبب قوام و دوام بشریت شمرده شده است و همچنین به سبب عدالت، نعمت ها افزایش می یابد و برکات حاصل می گردد.

بحث در اهمیت و جایگاه عدالت در اندیشه دینی و ابعاد آن در آموزه های اسلامی، رساله های مستقل و مفصلی را می طلبد. اما آنچه مرتبط با موضوع مقاله حاضر است این است که عدالت و گسترش آن در تمام ابعاد یکی از دست آوردهای مهم حکومت مهدوی است:

"یملأها وعدلاً قسطاً کما ملیت ظلماً و عدواناً..."^۵

زمین را سراسر قسط و عدل می کند همانگونه که

شود و در پرتوی آن انسان ها در مسیر اصلی خویش قرار می گیرند.

عدالت گسترده

در فرهنگ مهدویت، دل ها سرشار از انتظار "عدالت" بوده و بشر به آینده روشن و دنیای سراسر از عدل امیدوار است. عدالت و مهدویت به گونه ای با هم پیوند خورده است که با شنیدن نام حضرت (عج) کلمه و مفهوم عدالت با تمام ابعادش در ذهن آدمی تداعی می شود. عدالت مفهومی است که همواره مورد توجه اندیشمندان و ادیان الهی قرار گرفته و به عنوان یکی از اصلی ترین آرزوها و آرمان و اهداف بشر در طول تاریخ بوده است.

عدالت از آن دست مفاهیمی است که بسیار اساسی و پر اهمیت در زندگی اجتماعی انسان است و از جایگاه ویژه ای در راندیشه ی اسلام برخوردار است. از آموزه های و حیانی روشن می شود که ایجاد قسط و عدل یکی از اساسی ترین اهداف بعثت انبیاء است چنانکه در سوره حدید / ۲۵ می فرماید: "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ..."^۲



فرموده است: “فرض الله العدل تسكيناً للقلوب”^۷ خداوند عدالت را برای آرامش دلها قرار داد. در خطبه تاریخی فرمودند: “العدل تنسيقاً للقلوب”^۸ خداوند عدالت و دادگستری را سبب برابری قلب‌ها قرار داد. ازین رو “گسترش عدالت در سراسر گیتی ریشه سوزی بیداد از همه آبادیهای زمین، در رأس انقلاب امام مهدی (عج) قرار دارد، و از هدفهای اساسی آن



تحول عظیم جهانی است. این حرکت سازنده سرآغاز اقدامات در آن انقلاب است. این موضوع در احادیثی که

درباره آن امام بزرگ رسیده است همواره بصراحت یاد شده است.^۸ آری برپایی عدالت بزرگترین رسالت جهانی امام مهدی (عج) است. صاحب کتاب ارزشمند “مکیال المکارم” در این باره می گوید: “عدل، آشکارترین صفات نیک آن امام است، برای همین در دعای شبهای رمضان (عدل) نامیده شده است: “اللهم وصل علی ولی امرک القائم المؤمن، والعدل المنتظر”؛ خداوندا به ولی امر خود که قیام کننده همانی و عدل مورد انتظار همه است درود فرست.” و در حدیثی، که در کتاب “کامل الدین” و خبر آن از پیامبر اکرم (ص) روایت شده، در توصیف آن امام آمده است: “اول العدل و اخره...: (امام موعود) آغاز عدل و پایان آن است”^۹ برخی از روایاتی که در این زمینه وارد شده است را نقل می کنیم. پیامبر اکرم (ص): “...خداوند از فرزندان حسین امامانی قرار داده است که امر (راه و روش آیین) مرا بر پا میدارند. نهمین آنان قائم خاندان من، مهدی امتم باشد. او شبیه ترین مردمان است به من در سیما و گفتار و کردار. پس از غیبتی طولانی و سرگردانی و سردرگمی مردم، ظاهر می شود، آنگاه امر (آیین) خدا را آشکار می سازد... پس زمین را از عدل و داد لبریز می کند پس از آنکه از ستم و بیداد لبریز شده باشد.”^{۱۰} امام حسین (ع): اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن

روز را دراز گرداند، تا مردی از فرزندان من قیام کند، و زمین را از عدل و داد بپا کند، پس از آنکه از ستم و بیداد آکنده باشد. این چنین از پیامبر (ص) شنیدم.^{۱۱} آنچه اهمیت این موضوع را بیشتر روشن می نماید اولین کلماتی است که امام مهدی (عج) در آغاز تولد به زبان آوردند: خداوند! به آنچه به من وعده دادی وفا کن، و امر (حکومت عدالت گستر جهانی) مرا به کامل برسان، و گامهای مرا استوار بدار و زمین را به دست من پر از عدل و داد بفرما.^{۱۲}

برخی از روایات جریان عدالت مهدوی را در جزئیات نیز مطرح نمودند: سخنگویان دولت مهدی، از نخستین مرحله، در مکه، فریاد می زنند: هر کس نماز فریضه خویش را در کنار حجر الاسود و محل طواف خوانده است، و اکنون می خواهد نماز نافله بخواند، به کناری رود، تا آنکس که می خواهد نماز فریضه بخواند (بباید) و بخواند.^{۱۳}

در دوران امام مهدی (عج) عدل به درون خانه ها نیز نفوذ کرده و روابط خانوادگی در چهار چوب عدالت استوار می گردد. امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: «مهدی، عدالت را، همچنانکه سرما و گرما وارد خانه میشود، وارد خانه های مردمات کند، و دادگری او همه جا را بگیرد.»^{۱۴}

سخن از برنامه های عدالت محور مهدوی بسیار فروان است که نوشتار حاضر گنجایش آن را ندارد و لذا به همین مقدار بسنده می گردد.

ادامه دارد

پی نوشت :

* عضو هیئت علمی مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

۱. نور/ ۵۵

۲. حکیمی، محمد، عصر زندگی، ص ۲۴۴

۳. غرر الحکم.

۴. میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۴۹۲ ..

۵. همان.

۶. ر. ک، کمال الدین، ص ۲۸۷، والغیبة، ص ۴۸.

۷. آموزه مهدویت در عرفان اسلامی، ص ۱۳۵.

۸. میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۴۹۲ ..

۹. محمد، حکیمی، عصر زندگی، ص ۲۵

۱۰. میکال المکارم، ج ۱، ص ۱۱۹

کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۷

۱۲. همان، ص ۳۱۸

۱۳. همان، ج ۲، ص ۴۲۸

۱۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲



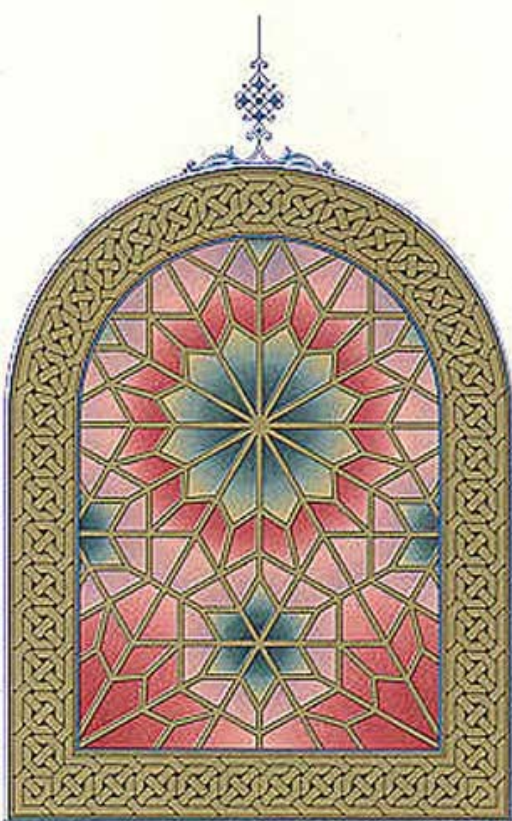
تلاشرف به مکلفن نور

زهرا بتول علوی

کرد. اینجاست که او تفکر و کسب معرفت نسبت به خود و جهان آفرینش و هدف از خلقت خویش و کاینات را زیر سؤال برده و تا حد زیادی انگیزه لازم برای تقرب به آفریننده عالم هستی را از دست میدهد. به این دلیل، قرن‌هاست که صاحبان قدرت مادی و نفوذ معنوی ایدئولوژی‌های رنگین خود را در قالب ایسم‌های مختلف به آن دسته از بشریت سرگردان و البته بی تفاوت، تحمیل می‌کنند.

قرنهای متمادی است که جمعی از جامعه بشریت در روزمرگی‌های مادی و نفسانیات غیراخلاقی خویش دست و پا می‌زنند و آنقدر در این تاریکی و گمراهی فرو می‌روند که خسته شده و تلاش دارد تا قدم بعدی را در راه ارضاء تمایلات نفسانی خویش بردارد. مغرضانه اکثریت جامعه بشری را نیز با خود همراه می‌سازد.

در این بین او با زیرکی تمام تکنولوژی را به خدمت گرفته و هرچه در احاطه رفاه مطلق و قدرت مادی قرار می‌گیرد، به همان اندازه نیز در مردابی از خودخواهی و بی تفاوتی نیز فرو می‌رود. آری جامعه گمراه بشری تمایل دارد، ارزشهای اخلاقی را به چالش بکشد. او فراموش کرده که به خودی خود کاری از پیش نمی‌برد و حتی این موضوع را که پس از تقلا برای گمراه کردن سایرین، روزی این دنیا را ترک خواهد



مکاتبی که هر کدام باعث انحطاط بشر گردیدند و مقام او را از انسانیت به صرفاً آدمی که بر روی دو پا راه می رود نزول داده اند. در این بین تاریخ شاهد است که این دسته از بشریت گمراه و درمانده، چگونه مکرراً از چاله ای به چاهی افتاده است.

به جز عده ای که خود سرمنشأ ستم و اسراف بر نفس و تقصیر در عمل و به نوعی عامل شیطان و شامل این کلام عظیم الهی گشته اند که: *والله لایهدی القوم الظالمین*^۱، جمعیت عظیمی از کاروان بشری در گمراهی و بی خبری غرق و به ناحق از مسیر صلاح و صحیح دور شده اند. ولی آیا همین گمراهی نیز تا حد زیادی نتیجه‌ء خوار شمردن ارزشها و کرامات انسانی نیست؟ حال در چنین شرایطی که به ظاهر راه فراری وجود ندارد و اصلاح نوع بشر امری سخت می نماید، چه باید کرد؟؟

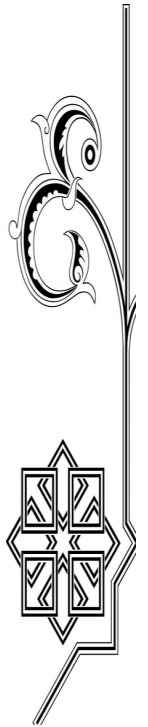
قطعاً خالق کریمی که به مخلوق خویش با نظر لطف و هدایت مینگرد، در هیچ حالتی او را تنها نگذارده است.

اما چگونه است که، خود تلاشی در جهت رهایی از محرومیت خودساخته خویش نمی کند و چگونه است که با علم به این کلام الهی که میفرماید: خداوند حال هیچ قومی را تغییر نخواهد داد مگر آنکه خود چنین تغییری را در درونشان انجام دهد^۲ باز هم قدمی در راه اصلاح نفوس و تمسک و توسل به دلایان و هادیان راه برنمیدارد. آیا زمان آن نرسیده که به رنج ها و دردهای خودمان و همه جهانیان، اعم از مادی و معنوی خاتمه داده و مجالی برای مصاحبت و توسل به حلال مهربان مشکلات عالم ترتیب دهیم. در محضرش دست ادب بر سینه بگذاریم و حضور منور و برقراری حکومت عادلانه او را از خداوند کریم مسألت نماییم.

در روایتی گرانقدر از امام جعفر صادق (سلام الله علیه) چنین آمده است که: ایشان خطاب به کسی که آرزوی بهشت کرد، فرمودند که شما اکنون در بهشت اید، از خداوند بخواهید شما را از بهشت بیرون نکند. گفتند: فدایتان گردیم ما در دنیاییم (و هنوز وارد بهشت نشده ایم).

فرمودند: بهشت همین امامت است که هر کس به آن اقرار داشته باشد، در بهشت است. پس از خداوند بخواهید این بهشت را از شما نگیرد^۳.





به راستی که همینطور است و ما در محضر جانشین رسول خاتم(صلی الله علیه و آله و سلم) و وارث تمامی انبیاء و اولیاء الهی قرار داریم. آری امام عصر(سلام الله علیه) همان وعده‌پروردگار و همان کعبه‌آمالی است که بشریت برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی، باید بر گرد وجود شریف او طواف کرده و بداند که تمسک و معرفت به آخرین منجی الهی که اعتقادی مشترک در بین تمامی ادیان است، همان بهترین مسیر تقرب به ذات احدیت و دفع تمامی سختی‌ها و کسب سعادت، آرامش و صلح جهانی است. امیدواریم که سعی ما در تحقق آرمانهای الهی و انسانی بیشتر شده و زمینه حضور فیزیکی حضرتش را با آنچه در بضاعت داریم فراهم آورده و امروز نیز خود و سایر افراد بشر را از این نور الهی که خداوند کریم او را همچون چراغ هدایتی فراروی بشریت نهاده است، محروم ننماییم.

خداوند منان را شاکریم که به یمن مجاهدات و دلسوزی‌های علمای گرانقدر شیعه از همان آغاز غیبت کبری تا کنون و همچنین سایر اقشار دلسوز و مسئول، اقدامات ارزنده‌ای در راه کسب معرفت و عقیده استوار و همچنین آگاهی و معرفت رسانی نسبت به وجود شریف امام عصر(سلام الله علیه) صورت گرفته است. به امید آنکه جریان غفلت و عدم وفای به پیمان الهی تخفیف و در نهایت پایان یابد. بدون شک و قتیکه جهانیان، بدانند در

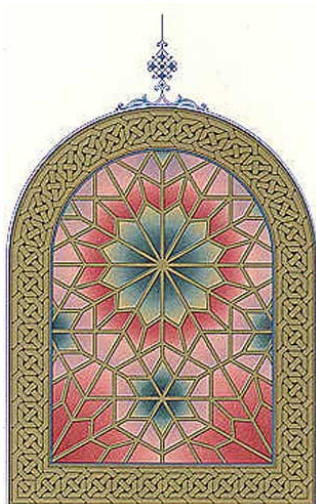
بهشت امامت خبری از ظلم و اجحاف ابرقدرتان جهان نمیباشد و هر مشکلی اعم از مادی و معنوی راه حلی عادلانه و مشفقانه دارد و آفت و آسیبی نیز شامل تصمیم‌گیریهای حکومت الهی و عدالت محور نمی‌شود، به حکم عقل و براساس فطرت خویش، تشخیص حقیقت و تسلیم شدن به آن، برایشان نه تنها آسان بلکه شوق‌آور است. نشریه حاضر نیز بر خود لازم می‌بیند، آنچه در بضاعت دارد را به کار گرفته و در راه انجام چنین مسئولیت و رسالت انسانی و شیعی خود، مطالبی پیگیر را با عنوان تشریف به محضر نور ارائه دهد.

دعا میکنیم بذل عنایت و لطف حضرت ولی عصر شامل احوالات و طریق ما گردد و بذل لطف و کرامت خداگونه اش را بر زمین قلوب و افکار ما بکارد. ان الله رؤوف بالعباد. به امید آن روز که همگان سهمی در زدودن غبار غفلت و انتشار اندیشه ناب و الهی مهدویت (سلام الله علیه) داشته باشیم.

۱- آیه ۸۶ سوره مبارکه آل عمران

۲- آیه ۱۳ سوره مبارکه رعد

۳- بحار الانوار ۶۸/۱۰۲



هر مسلمان باید بر نامه زندگی اش دارای جهت الهی باشد و بر اندیشه و رفتارهای او فکر توحیدی

تجلی توحید در دعا

سیطره پیدا کند و یک سره تسلیم حکم روحی الهی باشد. « اگر انسان خدا را به بزرگی شناخت و الوهیت را منحصر به ذات شعائر او دانست و ذات پاک او را منزله از مشابیهت با مخلوقات و صفات را طول مخلوقات دانست ناچار خالص و مخلص خواهد شد برای خدا، تمام خیر و نعمت را از خدا خواهد دانست و غیر خدا را منشأ هیچ چیز و نعمتی نخواهد دانست. پس هر گونه عبادت و شکر و حمد و سپاس را در مقابل هر گونه نعمت، از نعمت آفرینش

گرفته تا نعمتهای تابعه آفرینش مانند علم و هدایت و دین و ایمان که نعمت های معنویند و زمین و آسمان را ابر و باد و مه و خورشید که نعمت های مادی هستند، در مقابل همه اینها شکر و حمد و سپاس و عبادت را مقدس و منحصر برای خدا خواهد دانست.»^۱ یکی از نیازهای فطری در وجود انسان، شناخت خداست. انگیزه و حس حق شناسی و سپاسگزاری به حکم فطرت و وجدان پاک و سالم ایجاب می کند، ما نخست با تحقیق و پی جویی آفریننده این نعمتها را بشناسیم نسبت به او شناخت پیدا کنیم. پس دست نیاز به سوی بارگاه بی نیاز شد دراز کنیم از او خواسته هایمان را بخواهیم تا کمالات انسانی و فضایل اخلاقی نهفته ما به مرحله فعلیت رسیده، بارور شود. دعا کردن و درخواست از خدا باعث می شود انسان نیازهای مادی و معنوی خود را از خدا بخواهد و به اسارت و بندگی دیگران در نیاید و خویشتن را به ارزان ترین متاع دنیا نفروشد و از همه مهم تر اینکه انسان در دعا کردن پس از شناخت خدا نعمت های خداوند را می بیند و حس تقدیر و سپاسگزاری را در انسان زنده می کند و این سببی برای معرفت و توحید الهی است. ((انسان وقتی که از غیر چیزی می خواهد، احساس مذلت می کند، و وقتی که از خدا می خواهد احساس عزت. از این جهت دعا هم طلب است و هم وسیله است و هم عنایت. هم مقوله است و هم نتیجه. اولیای خدا هیچ چیزی را به اندازه دعا خوش نداشتند، همه خواهش ها و آرزوها دل خود را با محبوبیت واقعی در میان می گذاشتند و بیش از آن اندازه که به مطلوب های خود اهمیت می دادند به خود طلب و راز و نیاز اهمیت می دادند. هیچ گونه احساس خستگی و ملالت نمی کردند.))^۲

بدون شک یکی از اهداف دعا و نیایش، تقویت روح توحید و نفی بندگی خداست. دعا مغز عبادت و کلید موفقیت است. دعا سلاح پیامبران و محبوب ترین کار نزد خداوند جهانیان است و این قول پروردگار است که « بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»^۳ و چه در خواستش بالاتر از شناخت خدا و پرستش او و اینکه دست نیاز را به سوی محرم راز دراز کنی. امام رضا(ع) فرموده اند: رسول خدا(ص) فرمود: موسی بن عمران به خداوند عرضه داشت: آیا تو از من دور هستی که فریاد بزنم، و یا نزدیک می باشی که مناجات نمایم؟ خداوند فرمود: من همنشین کسانی هستم که در یاد من باشند. موسی عرض کرد: خداوند! من گاهی در حالتی قرار دارم که بزرگی تو مرا منع می کند با تو سخن بگویم. خداوند فرمود: ای موسی! در هر حال با من سخن بگو در یاد من باش.^۴

ادامه دارد

پی نوشت:

۱- قدر ولایت، عبادت و دعا و مناجات در رهنمودهای امام خمینی، ص ۱۰۷.

۲- مرتضی مطهری، بیست گفتار، ص ۳۴۳.

۳- غافر، آیه ۶۰.

۴- محسن کتابچی، نماز و دعا از دید گاه امام رضا (ع)، ص ۶۷.



کلام‌آحاد

قضیه‌ی معاد، قضیه‌ی محاسبه، قضیه‌ی تمام نشدن قضایا
 بازوال جسم - با مرک - است؛ این خیلی مسئله‌ی
 مهمی است؛ این که حساب و کتابی در کار است؛
 «فمن یعمل مثقال ذرة خیر ایره».

ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه‌ی
 عملی اش این معنا باشد که

